



Evaluation of the Surah-Oriented Model in the Field of Contemplation on the Qur'an*

Husayn Faraji¹

Abolfazl Khoshmanesh²

Sayyid Abdolrasoul Husaynizadeh³

Abstract

For about a decade, “Contemplation on the Qur'an” has been of interest to the scholars and experts as an educational approach and mechanism for each individual to directly and immediately benefit from the Qur'an, and various models have been proposed for it. This article, using a descriptive and analytical method and not being limited to theoretical foundations, introduces the “Surah-Oriented Model” as one of the models proposed in the field of teaching Qur'anic contemplation in Iran by referring to the contemplation course of events in the field. This model, by utilizing specific theoretical foundations and a critical attitude towards verse-oriented patterns, seeks to perceive the approaches of the verses in the specific order of each surah and to achieve a coherent understanding of that surah, which ultimately leads to uncovering the guiding direction of the surah. “Using the rules of the Arabic language to discover the single purpose of each surah” and “providing practical solutions to identify the main purpose of the surahs” are among the strengths of this model. On the other hand, “confusing contemplation and interpretation”, “confusing contemplation with thematic interpretation”, “limiting contemplation in the Qur'an to uncovering the guiding direction of the surahs”, “changing

* Received: 2024 June 30, Accepted: 2024 July 11

DOI: 10.22081/jqr.2024.69425.4046



1. Ph.D. Student in Comparative Interpretation, University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an (Corresponding Author). hosaynfaraji@gmail.com
2. Visiting Faculty Member, University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an.
3. Visiting Faculty Member, University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an

the origin of contemplation from the heart to the mind” and “not using authentic interpretive narrations to understand the meaning of the terms, verses and surahs” are among the most important shortcomings and weaknesses of this model.

Keywords:

Keywords: Qur'anic contemplation, surah-oriented pattern, verse-oriented pattern, coherent understanding, surah's purpose.



ارزیابی الگوی سوره‌محور در زمینه تدبیر قرآن*

حسین فرجی^۱

ابوالفضل خوش‌منش^۲

سید عبدالرسول حسینی‌زاده^۳

چکیده:

حدود یک دهه است که «تدبیر در قرآن»، به‌عنوان رویکردی آموزشی و سازوکاری برای بهره‌مندی مستقیم و بی‌واسطه هر فرد از قرآن، مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته و الگوهای مختلفی برای آن مطرح شده است. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بسنده نکردن به مبانی نظری، با مراجعه میدانی به رویدادهای جریان‌های تدبیری، «الگوی سوره‌محور» را به‌عنوان یکی از الگوهای مطرح در زمینه آموزش تدبیر قرآن در ایران معرفی می‌کند. این الگو با بهره‌گیری از مبانی نظری خاص و نگرشی انتقادی نسبت به الگوهای آیه‌محور، به دنبال دریافت رهیافت‌های آیات در توالی نظم خاص هر سوره و دستیابی به فهمی منسجم از آن سوره است که در نهایت به کشف جهت هدایتی سوره، منتهی می‌شود. «بهره‌گیری از قواعد زبان عربی برای کشف غرض واحد هر سوره» و «ارائه راهکارهای عملی جهت تشخیص غرض اصلی سوره‌ها» از جمله نقاط قوت این الگو است. از سوی دیگر، «خلط میان تدبیر و تفسیر»، «خلط تدبیر با تفسیر موضوعی»، «منحصر نمودن تدبیر در قرآن به کشف جهت هدایتی سوره‌ها»، «تغییر خاستگاه تدبیر از قلب به ذهن» و «عدم استفاده از روایات معتبر تفسیری جهت فهم معنای مفردات، آیات و سوره‌ها» از مهمترین موارد کاستی و نقاط ضعف این الگوست.

کلیدواژه‌ها: تدبیر قرآن، الگوی سوره‌محور، الگوی آیه‌محور، فهم منسجم، غرض سوره.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱.

10.22081/jqr.2024.69425.4046

شناسه دیجیتال (DOI):

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

hosaynfaraji@gmail.com

۲. عضو هیات علمی مدعو دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۳. عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



مقدمه

قرآن مجید همه آحاد مسلمان و غیر مسلمان را به تدبر در آیات خویش فرا می خواند: «كَتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹) و کسانی را که در آیات قرآن تدبر نمی کنند، مورد سرزنش قرار می دهد: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْرًا عَلَى قُلُوبٍ أَفْقَالُهَا» (محمد: ۲۴).

از جمله توصیه های پیامبر اکرم ۹ به مردم در خطبه غدیر نیز این است: «ای مردم! در قرآن تدبر کنید و آیاتش را بفهمید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۹/۳۷). از امیرالمؤمنین ۷ نقل شده که فرمودند: «همانا در قرائت بدون تدبر، خیری نیست» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۳۶).

تدبر، جایگاهی رفیع و مهم در منظومه بینش، گرایش و رفتار اسلامی دارد و به دلیل دستور قرآن کریم و رهنمودهای پیامبر و خاندانش، موضوع تدبر در قرآن از دیرباز مورد توجه قرآن پژوهان مسلمان بوده است و تحقیقات زیادی برای بررسی چیستی آن صورت گرفته است. در دوران معاصر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به این موضوع در قالب های متنوع تر، مانند پیدایش جریان های تدبر محور و ایجاد مجامعی برای آموزش تدبر به عموم مردم، گسترش یافته است. در همین راستا صاحب نظران به منظور روشمند ساختن مراجعه عموم به قرآن و با دغدغه پرهیز مردم از تفسیر به رأی و استنباط های نادرست، کوشیده اند قواعد، مبانی و روش هایی وضع نمایند که در قالب های مختلف علمی و تولیدات رسانه ای منتشر شده است.

این نوع نگرش به قرآن، از آغاز قرن اخیر رواج یافته است؛ هرچند قدما به اهمیت و ارزش تناسب و ارتباط آیات پی برده بودند، اما متأخران ضمن تأکید بر روابط آیات، آن را از منظر جدیدی نگریسته اند. خامه گر (از برجسته ترین پژوهشگران و صاحبان آثار در حوزه تدبر) سرچشمه این شیوه را در آثار و تألیفات قرآن پژوهان متأخر پی جویی نموده است که اهم آنها عبارتند از:

شیخ محمد عبده و محمد رشیدرضا در المنار؛

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن؛

سعید حوی در اساس المیزان؛

دکتر سید محمدباقر حجتی و دکتر بی آزار شیرازی در تفسیر کاشف؛

دکتر عبدالله محمود شحاته در کتاب اهداف و مقاصد سوره‌ها؛

محمد المدنی در المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء؛

استاد محمدهادی معرفت(ره) با ترسیم نمودار سوره حمد و بقره در کتاب التمهید (خامه‌گر، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱)

در جامعه امروزی ایران، رویکردهای تدبری در برخی از مجموعه‌ها به صورت گسترده به عنوان «جریان» (فکری-فرهنگی) آموزش و ترویج داده می‌شوند که میزان کارآمدی و شناخت نقاط قوت و ضعف آنها، شایسته طرح و بررسی است. مهمترین جریان‌های صاحب آثار در حوزه تدبر در قرآن عبارت است از:

- جریان تدبری محمدحسین الهی‌زاده (تبیین مبانی نظری در روش تدبر در سوره‌های قرآن کریم و ده‌ها آثار مکتوب و رسانه‌ای، هم در سطح تدبر سوره‌محور و هم در تدبر موضوعی) که پیش‌تاز جریان‌های تدبری در کشور به‌شمار می‌آید و به دلیل قوت نظری و برخورداری از جلسات آموزشی تربیت مربی تدبر در استان-های تهران، قم و خراسان رضوی، شاگردان زیادی تربیت کرده است.
- جریان تدبری علی صبحی طسوجی^۱، با فعالیت منسجم تشکیلاتی در سطح کشور و راه‌اندازی نهضت ملی تدبر در قرآن (تبیین مبانی نظری در روش تدبر در سوره‌های قرآن کریم و ده‌ها آثار مکتوب و رسانه‌ای)
- جریان تدبری مدرسه قرآن و عترت دانشگاه تهران با محوریت احمدرضا اخوت^۲ (تبیین مبانی نظری در کتاب تدبر، چرایی، چستی و چگونگی و تولید ده‌ها مجلد آثار تدبری)
- جریان تدبری ولی‌الله نقی‌پورفر، (تبیین مبنای نظری در کتاب پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن)

۱. علی صبحی طسوجی از شاگردان استاد الهی‌زاده و از منظر محتوایی و روشی، دنباله‌روی به‌شمار می‌آید، اما به دلیل پاره‌ای از مشکلات ساختاری و رویکردهای اجرایی، جریان تدبری جداگانه‌ای را در سطح ملی ایجاد و دنبال کرده است.

۲. بر اساس مباحثات شفاهی، جریان تدبری مدرسه قرآن و عترت دانشگاه تهران (که در بین جریان‌های موجود، پرشمارترین آثار را به وجود آورده) نیز خود را شاگرد و دنباله‌روی استاد الهی‌زاده می‌داند، هرچند خروجی‌های آنها اختلافات معناداری دارند.





- جریان محدود تدبری محمدعلی لسانی فشارکی (با محوریت کتاب روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم)

بر اساس مطالعات ابتدایی و تحقیقات میدانی این پژوهش (که افزون بر روش کتابخانه‌ای، با حضور در جلسات نخبگانی و عمومی و گفتگو با صاحب‌نظران اصلی جریان‌های مختلف مدعی تدبر در قرآن، به آشنایی عمیق با آنها پرداخته است)، به نظر می‌رسد که هر چند در آثار یادشده، ابعادی از موضوعات تبیین شده است و مفهوم و روش تدبر در قرآن براساس نظر مؤلف، بیان گشته است، باید اذعان کرد که آثار تدوین‌شده در مورد تحلیل و ارزیابی الگوهای برنامه‌های آموزش تدبر، بسیار ناچیز است و تحلیل و ارزیابی منصفانه این الگوها و عرضه آنها به مبانی تدبر، می‌تواند مسیر توسعه فرهنگ و معرفت قرآنی را روشن‌تر نماید.

۱. معرفی جریان‌های فرهنگی ترویج الگوی سوره‌محور در تدبر قرآن

جریان عمده آموزش تدبر در قرآن در ایران معاصر، تحت تأثیر درس آیت‌الله جوادی آملی توسط یکی از شاگردان برجسته ایشان، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین الهی‌زاده شروع شد. از نظر وی، تدبر، گامی مهم و ضروری در فعالیت‌های قرآنی است که از یک‌سو تکمیل‌کننده مهارت‌هایی چون قرائت و تلاوت است و پس از آنها قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، مقدمه و مدخل تفسیر است و متدبر را به بهترین شیوه با الفاظ و عبارات آیات و سوره‌های قرآن و معانی آنها آشنا و مأنوس می‌کند که نخستین و ضروری‌ترین گام برای پرداختن به تفسیر است. (فریدونی، ۱۳۹۸: ۸۸)

نخستین کار مطالعاتی و تحقیقاتی مدون در این زمینه در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، با حمایت کمیسیون قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است. ایشان در سال ۱۳۸۶ با تأسیس مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره در مشهد مقدس، فعالیت‌های خود را گسترش داد. در حال حاضر جریان عمده آموزش تدبر قرآن در کشور، تحت تعلیمات آقای الهی‌زاده و توسط شاگردان ایشان دنبال می‌شود.

از شاگردان برجسته ایشان که الگوی تدبر سوره‌محور را در محافل و مجالس مختلف آموزش می‌دهد و ترویج می‌کند، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین علی صیوحی طسوجی است. ایشان با کمک دیگر هم‌فکران و شاگردان، در قالب مؤسسه «تدبر در کلام وحی»، در

حوزه‌های پژوهشی، آموزشی و فرهنگی و هنری با استفاده گسترده از قالب‌های رسانه‌ای به ترویج تدبر در قرآن می‌پردازند. همچنین، شیوه سوره‌محور در مؤسسه گفتمان قرآن و ولایت با مدیریت محمدبرزگر تدریس و ترویج می‌گردد.

محور تلاش متدبر در سبک تدبری استاد الهی‌زاده، دستیابی به «جهت هدایتی» در واحد مستقل و رسمیت‌یافته قرآنی، یعنی «سوره» است. به بیان دیگر، رسالت اصلی الگوی سوره‌محور تدبر در قرآن، ارائه هماهنگ مفاهیم سوره‌های قرآن مجید، حول غرض سوره و نشان دادن نظام ارتباطی معارف درون هر سوره است. این روش از طریق کشف ساختار منسجم هر سوره، مفهوم آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲) را به مخاطبان تفهیم می‌کند. (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۳)

استفاده از نمودارهای دسته‌بندی‌سازی در بیان محتوای هر سوره، از ویژگی‌های خاص این مجموعه است؛ بدین‌صورت که هر سوره متشکل از بخش‌هایی است که می‌توان آن را در قالب نمودار ترسیم نمود. تدوین‌کنندگان این طرح، آن را آموزش تدبر قرآن در سطح مقدماتی نام نهاده‌اند و فراگیری آن را برای همه افراد دارای سواد خواندن و نوشتن فارسی ممکن می‌دانند. (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۸)

در این شیوه، ابتدا با بهره‌گیری از قواعد زبان عربی و محتوای آیات، ساختار هندسی سوره کشف می‌شود، سپس از طریق برقراری ارتباط میان سیاق‌ها، جهت هدایتی سوره استخراج می‌گردد. بنابراین کشف ساختار هندسی و استخراج اهداف و غرض اصلی سوره‌های قرآن کریم، مبنای روش یادشده را تشکیل می‌دهد. (صبوحی طسوجی، ۱۳۸۹: ۲۴).

۲. تعریف و روش تدبر قرآن در الگوی سوره‌محور

شیوه سوره‌محور در پی یافتن غرض هر یک از سوره‌های قرآن کریم به صورت مجزا با تدبر در آنهاست. پیروان این شیوه معتقدند هر یک از سوره‌های قرآن که خداوند متعال با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تفکیک نموده است، اتحاد کاملی دارند که نسبت به آیه‌های سوره‌های پیش و پس از آن دارای انفصال می‌باشند (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۰: ۳۷).

تدبر در این نگاه یعنی «دریافت پی‌درپی آیات هر سوره که به فهم منسجم آن سوره منتهی می‌گردد» (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۱: ۱۲). بنابراین هدف آن کشف جهت هدایتی سوره است تا با دستیابی به آن، هدایت الهی همه افراد را دربرگیرد. دلیل پرداختن به





کشفِ جهتِ هدایتی سوره را این می‌دانند که «سوره‌های قرآن کریم» اصلی‌ترین واحدهای هدایتی قرآن کریم است؛ زیرا تحدی قرآن کریم نسبت به سوره‌هاست و در اثبات معجزه بودن قرآن همگان را به آوردن سوره‌هایی مانند قرآن فراخوانده است. (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۳: ۲۳/۱)

تعریف واژه «تدبر» در این الگو، بر مبنای تحلیل هیأت این لفظ است. هیأت تدبر «تفعّل» است و براساس نظر برخی از کارشناسان لغت، «تفعّل» برای مطاوعه «تفعیل» به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۲۴/۳). در نگاه صاحبان این الگو، «تدبیر»، «پشت سر هم چیدن حکیمانه» است و امر به تدبر در قرآن و توجه به معنای مطاوعی آن، وجود تدبیر (چینش حکیمانه) در قرآن کریم را نشان می‌دهد. مراد از تدبر، دریافت «تدبیر موجود در کلام» از سوی مخاطبان آن خواهد بود و این همان عنصری است که تدبر را راه فهم نظم ویژه قرآن و ایمان به الهی بودن آن قرار داده است. (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۹)

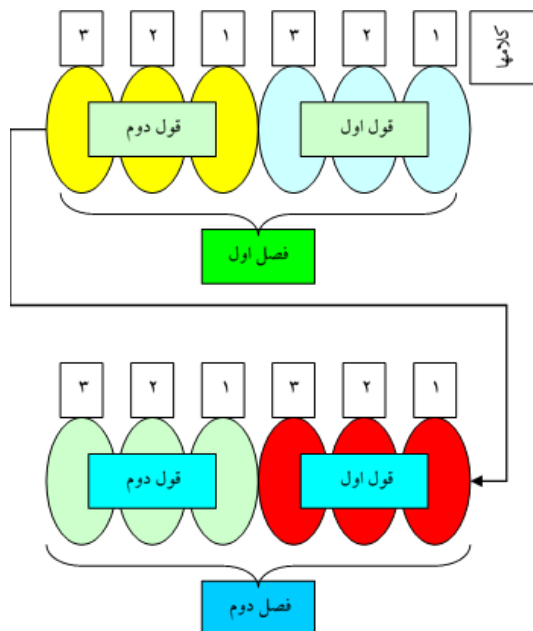
تعریف اصطلاحی تدبر از منظر این الگو عبارت است از: «فهمِ روشمند و هماهنگ ظاهر قرآن کریم» (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۱: ۵۲) پیش‌نیازهای تدبر در قرآن از منظر الگوی تدبر سوره‌ای، سه مقوله انس با قرآن، آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن و آشنایی با علوم قرآنی است. (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۳: ۶۸)

۳. روش تدبر در سوره‌ها (روش و مراحل دستیابی به وحدت سوره)

الگوی سوره‌محور با این پیش‌فرض که میان همه آیات يك سوره اتحاد و پیوندی متین برقرار است، در پی یافتن حلقه اتصال و وحدت سوره‌هاست. (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۱: ۹۴) در این الگو، مراحل دستیابی به وحدت سوره عبارت است از:

۱. شناسایی کلام‌ها و تشخیص معانی منسجم (ثمره کشف ارتباط میان آیات)؛
۲. شناسایی اقوال و تشخیص موضوعات محوری (ثمره کشف ارتباط میان کلام‌ها)؛
۳. تشخیص غرض واحد (همان: ۹۵)؛

تصویر ساختار یک سوره فرضی به این صورت است (همان: ۱۷۶):



۳-۱. نمونه شناسایی فصل‌ها و تشخیص غرض (سورۀ مبارکه شعراء)

اقوال این سورۀ مبارکه عبارت است از:

فصل	عنوان
قول ۱	طلیعه: تکذیب واستهزاء مشرکین نسبت به قرآن؛
قول ۲	بیان داستان حضرت موسی (علیه السلام) به منظور تسلی بخشیدن به رسول خدا و امیدوارتر کردن آن حضرت به پیروزی نهایی؛
قول ۳	بیان توحید و معاد از زبان ابراهیم (علیه السلام) خطاب به مشرکان، به غرض تأمل در نسبت دادن خویش به ابراهیم (علیه السلام) و اعتقاد به توحید و معاد؛
اقوال ۴ تا ۸	جریان‌های تکذیب‌کننده مرسلین وعاقبت آنها، به غرض پندگیری مشرکان از عاقبت آنها و یقین مسلمانان به پیروزی خود؛
اقوال ۹ و ۱۰	خاتمه: تکذیب واستهزاء مشرکین نسبت به قرآن، به غرض خنثی‌سازی آن.



با توجه به مقدمات فوق، می‌توان غرض سوره را این‌گونه تبیین کرد:

غرض بینشی: ایجاد این بینش که اتحاد جریان‌های اکثریت مشرکین برای مبارزه با قرآن و رسالت محکوم به شکست است، چون پروردگار تو شکست‌ناپذیر و رحیم است.

غرض انگیزشی: غرض انگیزشی سوره نیز عبارت است از: «هدایت و تثبیت و تقویت رسول خدا ﷺ در مقابله با جریان‌های به‌هم‌تنیده مکذبین»؛

همین غرض در بین اقلیت مؤمنین در قالب «تقویت ایمان و بردباری و امید به پیروزی» جلوه می‌کند.

باز همین غرض در میان سران کفر و شرک در قالب «ناامیدی و ترس» و در میان عامه مشرکین در قالب «درهم شکستن لجاجت و عناد بی‌جای آنان در مقابله با مسلمانان» بروز می‌کند. (صباحی طسوجی، ۱۳۹۱: ۱۷۶)

تدبر سوره نور از نمونه‌های روشن این جریان فکری فرهنگی است که درصدد «ارائه سیستمی کامل برای حرکت به سوی عفت اسلامی» بوده و نویسنده مدعی است که خداوند این هدف را در چهار مرحله، تحقق بخشیده است (ر.ک: شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۸):

۱. سرفصل سوره، درمان فضای بحرانی انحرافات اخلاقی: بیان احکام و واجبات اخلاق اجتماعی بر پایه عفت؛ و روشنگری نسبت به لزوم این احکام؛ (آیه ۱)
۲. مقابله با شیوع مفاسد اخلاقی و روابط ناسالم اجتماعی و طراحی فرهنگ روابط اجتماعی بر پایه عفاف (آیات ۲ تا ۳۳) این مرحله، چهار گام دارد: تعیین مجازات سنگینی برای «زنا» و «قذف» (تهمت به زنا)، پرهیز دادن از پذیرش تهمت‌ها و اشاعة فحشاء، توصیه به افراد ثروتمند برای به تزویج جوانان بی‌بضاعت، تعیین آداب و قوانین لازم برای آسیب‌زدایی از فرهنگ روابط اجتماعی و ایجاد سلامت اخلاقی در جامعه؛
۳. مانع‌زدایی از مسیر اصلاح مفاسد اخلاقی و نهادینه‌سازی فرهنگ روابط اجتماعی؛
۴. تعیین اقدامات اصلاحی برای فرهنگ‌سازی روابط اجتماعی.

توجه به نمودار سوره می‌تواند در به تصویر کشیدن این انسجام راهگشا باشد:

نمودار سورة مبارکه نور

۱. سرفصل درمان فضای بحرانی انحرافات اخلاقی

بیان احکام و واجبات اخلاق اجتماعی بر پایه عفت و روشنگری نسبت به لزوم رعایت این

۲. طراحی فرهنگ متعالی روابط اجتماعی بر پایه عفت و پاکدامنی

مقابله با بحران شیوع مفاسد اخلاقی و روابط ناسالم اجتماعی

۱-۲. آیات ۲ تا ۱۰

طرح احکام بازدارنده از زنا و آسانی تهمت زدن به زنا، در مقام ارائه راه درمان فضای بی‌بند و باری اخلاقی

۲-۲. آیات ۱۱ تا ۲۰

هشدار به مؤمنان درباره پذیرش تهمتها و نقل آن؛ تهدید شدید تهمت‌زندگان به منظور مقابله با اشاعه فحشاء از طریق اقدام تشکیلاتی به تهمت زدن و بی‌آبرو کردن افراد

۳-۲. آیات ۲۱ تا ۲۶

توصیه دارایان به فقرزدایی و گذشت نسبت به انحرافات اخلاقی ناشی از فقر و پرهیز از رمی در راستای مبارزه با تلاش شیطان برای ایجاد فحشا و منکر

۴-۲. آیات ۲۷ تا ۳۲

بیان آداب و قوانینی در راستای آسیب‌زدایی از فرهنگ روابط اجتماعی و ایجاد سلامت اخلاقی در جامعه

۳. مانع‌زدایی از مسیر اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه و نهادینه کردن فرهنگ متعالی روابط اجتماعی

توسط پیامبر ۹ و با همکاری مؤمنان؛ از طریق بیان اهمیت این اقدام و خشی کردن کارشکنی منافقان

۱-۳. آیه ۳۴

سرفصل مانع‌زدایی از مسیر اصلاح فرهنگی جامعه و تثبیت فرهنگ متعالی اخلاقی

۲-۳. آیات ۳۵ تا ۴۶

تبیین مثالی از نور الهی و بیان مشیت مطلق او در هدایت انسان‌ها بسوی این نور همراه با معرفی هدایت‌یافتگان به نور الهی و در ظلمت‌ماندگان به منظور بیان اهمیت اصلاح مفاسد اخلاقی و نهادینه کردن فرهنگ متعالی روابط اجتماعی و روشن شدن جایگاه همراهان و جایگاه مخالفان با این اقدام

۳-۳. آیات ۴۷ تا ۵۷

افشاء و خنثی‌سازی تلاش منافقان برای ناکام کردن رسول خدا ۹ در اقدام به اصلاح مفاسد اخلاقی و نهادینه کردن فرهنگ متعالی روابط اجتماعی؛ و دعوت مؤمنان به اجابت دعوت آن حضرت و اطاعت از ایشان از طریق تأکید بر حتمیت تحقق وعده خلافت مؤمنان اهل عمل صالح بر زمین





۴. فاز دوم اقدامات اصلاحی و فرهنگ‌سازانه سوره

فراهم‌سازی زمینه تعالی فرهنگ اخلاقی و تثبیت فرهنگ اجابت فراخوان‌های اجتماعی پیامبر ۹ در این راستا

۲-۴. آیات ۶۲ تا ۶۴

تثبیت فرهنگ اجابت
فراخوان‌های پیامبر ۹ در
امور اجتماعی، از طریق
تجویز استیذان و تحریم
ترک مخفیانه همراهی

۱-۴. آیات ۵۸ تا ۶۱

تعالی فرهنگ اخلاقی تا
حدّ از بین بردن زمینه تمایل
به مفاسد اخلاقی در درون
خانواده‌ها و رفع
محدودیت‌های زاید اجرایی
فرهنگ متعالی روابط
خانوادگی و اجتماعی

۴. ارزیابی الگوی تدبیر قرآن سوره‌محور

۴-۱. نقاط قوت

الف. بهره‌گیری از قواعد زبان عربی برای کشف غرض واحد هر سوره

استاد الهی‌زاده برای تشخیص موضوع هر کلام، از برخی از قواعد زبان عربی بهره می‌جوید (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۶). گفتنی است که این رویه، در سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) ریشه دارد. همانطور که در برخی از روایات، معصوم (علیه‌السلام) برداشت خود از آیه را به قواعد ادبیات عرب مستند ساخته است. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۵/۵)

برخی از قواعدی که استاد الهی‌زاده برای کشف جهت هدایتی سوره‌ها از آنها بهره برده است، عبارتند از (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۶):

برخی از قواعد کشف موضوع							
توجه به معنی	دقت به اصل و فرع	توجه به تأکیدها	تکرار آیات و عبارات	آیات آغازین و پایان سوره	جواب قسم‌ها	جواب شرط‌ها	توجه به حجم مطالب

ب. ارائه راهکارهای عملی جهت تشخیص غرض اصلی سوره‌ها

در سبک آقای الهی‌زاده، گام‌های عملیاتی برای کشف جهت‌هدایتی سوره‌ها و چگونگی انجام آنها در قالب اصول و قواعد قابل اعتماد و متکی به دلایل و براهین، به‌خوبی بیان شده است. ایشان در این زمینه می‌نویسد: «برای اینکه در تشخیص غرض اصلی سوره با مشکل مواجه نشویم و به راحتی بتوانیم غرض اصلی سوره را دریابیم و همچنین در تشخیص خود نسبت به غرض اصلی متکی به دلایل و براهین باشیم، باید از اصول و قواعدی که کشف غرض را روشمند می‌کند و ضریب اعتماد به این کشف را بالا می‌برد، کمک بگیریم. (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

ج. امکان کشف فضای اجتماعی نزول آیات

یکی از کاربردهای این نوع پردازش تدبری، عدم محدودیت متدبر به اسباب نزول (که بیشتر ضعیف‌السند و غیرقابل تطبیق با محتوای آیات هستند و یا تعارض‌های روایی و تاریخی دارند) و امکان دستیابی به فضای اجتماعی نزول سوره (فراتر از آیات پراکنده) است. به بیان دیگر، متدبر با تدبر در سوره مبارکه نور به‌روشنی درمی‌یابد که مجموعه‌ای از آسیب‌های اخلاقی ناظر به عفت جامعه، در خلأ احکام روشن حقوقی و رواج ضدارزش‌های مختلف در جامعه وجود داشته که نتیجه آن در وقوع فحشاء، قذف، نقل دهان‌به‌دهان گناهان و اشاعه فحشاء، بی‌توجهی ثروتمندان به ناتوانی جوانان در امر ازدواج، اظهار زینت توسط بانوان، چشم‌چرانی و غیره در جامعه وجود داشته که نیاز جامعه به طرح و دستورالعمل جامعی برای ترویج عفاف را نشان می‌دهد. هرچند برای برخی از این موارد، در میان روایات و نقل‌های تاریخی اسباب نزول هم مشاهده می‌شود، اما بسیاری از آنها با قراین داخل سوره کشف می‌شود.

۲-۴. بررسی انتقادی و شناخت نقاط قوت و ضعف

الف. خلط میان تدبر و تفسیر

با بررسی برخی از آثار تدبر به روش سوره‌محور - به‌ویژه در آثار حجت‌الاسلام و المسلمین علی صبوحی طسوجی - اختلاط میان تفسیر و تدبر مشهود است، از این‌رو لازم است مورد تفاوت‌های میان این دو مقوله بررسی شود.

تفسیر، علمی است در کنار دیگر علوم و تخصصی در ردیف دیگر تخصص‌هاست؛ به‌گونه‌ای که تاریخ، تعریف، اصول، شیوه‌ها، ابزار و اهل خاص خود را دارد. تفسیر از لحاظ





علمی و تخصصی بودن، با دیگر علوم تفاوتی ندارد و محکوم قوانین و ضوابط مشترک میان آنهاست. همچنین از میان ۲۰ تا ۳۰ علم از علوم مختلف اسلامی، به عنوان مدخل و پیش نیاز ورود به تفسیر قرآن شمرده شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۷۸/۴). بدیهی است پرداختن به این مسایل و مانند آن، تنها از عهده کسی برمی آید که با علوم مختلفی همچون صرف، نحو، بیان، قرائت، تاریخ، شأن نزول، کلام، فقه و اصول فقه، لغت، درایه، رجال و غیره آشنا باشد تا بتواند از دیدگاه این علوم به قرآن نگاه کند.^۱

این در حالی است که تدبر، علم و فن و تخصص خاصی نیست و لوازم و ابزار و پیش نیازهایی که برای تفسیر، ضروری است، درباره تدبر نیاز نیست. از این رو تدبر می تواند پدیده ای همگانی باشد. خداوند نیز در قرآن نه تنها علما و فقها، بلکه همگان را به تدبر فراخوانده است: «أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها» (محمد: ۲۴). همچنان که از ظاهر آیه پیداست، تنها پیش نیاز تدبر، از بین بردن قفل های دل می باشد. امام خمینی (ره) در مورد همگانی بودن تدبر در قرآن می نویسد:

«...یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آنکه مفسرین نوشته یا فهمیده اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریف را به تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده اند، به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطل، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده اند؛ در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه به تفسیر مربوط نیست تا تفسیر به رأی باشد» ([امام] خمینی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)

ایشان معتقد است که تفسیر و روش ها و فنون خاص آن، یک وادی جداگانه ای است که به استفاده ها و استنباط های مورد اشاره ربطی ندارد. از نظر ایشان تدبر و تفکر در آیات، همواره از سوی برخی، عنوان «تفسیر به رأی» به خود گرفته و محکوم و ممنوع شده است و

۱. در عین حال که به گفته شیخ محمد عبده، از بخت بد مسلمانان، بیشتر آنچه در کتب تفسیر آمده است؛ نظیر مباحث اعراب و قواعد و جدلیات و استخراجات و استنباطات و تأویلات مشابه، خواننده را از آنچه هدف نزول قرآن است، باز می دارد. سال ها بعد در ایران نیز آیت الله طالقانی می نویسد: «هر اندازه مباحث قرائت و لغت و اعراب و مطالب کلامی و فلسفی در پیرامون آیات وسعت یافته، اذهان مسلمانان محدودتر شده و از هدایت وسیع و عمومی قرآن بازمانده است. این علوم و معارف، مانند فانوس های کم نور و لرزان در بیابان تاریک و طوفانی اند که اگر اندکی پیرامون آدمی را روشن دارند، او را از پرتو دامنه اختران فروزان محجوب خواهند داشت و مانند مهی تراکمی و ممتد، آفاق قرآن را احاطه نموده و مانع تابش مستقیم آیات قرآن بر نفوس خواهند گردید (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۵/۱؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۱/۱)



در واقع اصطلاح «تفسیر به رأی» در طول تاریخ اسلام، همواره همچون چماق بر سر مردم بوده و آنان را از «جمع فنون استفاده» از قرآن، محروم کرده است. امام خمینی در جای دیگر ضمن بیان نمونه‌ای برای تدبر می‌نویسد: «اگر کسی در آیات مربوط به رابطه حضرت موسی (علیه السلام) با عبد صالح تفکر کند و مثلاً آداب متعدد استاد و شاگرد را از جزئیات بیان این آیات استخراج کند، این چه ربطی به تفسیر دارد تا تفسیر به رأی باشد یا نباشد؟» ([امام] خمینی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)

تفاوت میان تفسیر و تدبر در مورد قرآن، درست مانند شیوه‌های مطالعه و تحقیق در آیات جهان هستی است. یعنی همان‌گونه که آیات قرآن را می‌شود در دو نوع تخصصی (تفسیر) و همگانی (تدبر) مورد پژوهش و تحقیق قرار داد (خوش‌منش، ش ۱، ۱۳۸۷، ص ۴۲)، درباره آیات جهان هستی نیز به دو صورت می‌توان تحقیق کرد. مثلاً گاهی آب را از دیدگاه علوم طبیعی و به وسیله ابزارهای مختلف علمی و تخصصی، تحقیق و بررسی می‌کنند که از این طریق عناصر ترکیبی آن کشف می‌شود و ویژگی‌های مختلف آن در قالب فرمول‌ها و مسائل علمی و تخصصی تدوین می‌گردد. بدیهی است این‌گونه تحقیق، افراد و ابزار ویژه خود را می‌طلبد و هر کسی نمی‌تواند بدون طی مدارج علمی لازم، به این تحقیقات پردازد.

اما زمانی که همین آب، به عنوان «آیه» ای از آیات الهی - که خداوند آن را برای همگان مایه درس و عبرت قرار داده است - مورد مطالعه و تفکر قرار می‌گیرد، نکته‌ها و پیام‌ها و اشارات بی‌شماری از آن دریافت می‌شود که تکتک آنها درس زندگی است و پیام خودسازی دربردارد. (مرادی زنجانی و لسانی فشارکی، ۱۳۹۳: ۲۱)

دکتر پاکتچی به عنوان یکی از منتقدین رویکرد تدبری موجود، جریان گرایش به تدبر در قرن حاضر را با عنوان «پرهیز از تفسیر و گریز به تدبر» معرفی می‌کند و درباره جریان تدبری می‌گوید: «این جریان، مدعی است که نمی‌خواهد وارد تفسیر شود، ولی جالب اینکه وقتی آثار آنها را بررسی می‌کنید، متوجه می‌شوید چیزی جز تفسیر نیست. ایشان برای اثبات این مدعا به کتاب پرتوی از قرآن آیت الله طالقانی و فی ظلال القرآن سید قطب اشاره می‌کند که اگرچه نویسندگان آنها اعلام کرده‌اند قصد «تفسیر» ندارند، در عمل به تفسیر قرآن پرداخته‌اند.



ایشان پرهیز از نام‌گذاری کار به‌عنوان تفسیر را در راستای شاخصه «گسست‌گرایی» ارزیابی می‌کند و آن را به‌عنوان ویژگی تفاسیر تدبری برمی‌شمارد. منظور از «گسست‌گرایی»، عدم التزام به زنجیره سنت تفسیری است. در نظر ایشان، تفسیر در گذشته طی فرایندی طولانی به حلقه‌های زنجیری تشبیه می‌شود که هر یک به دیگری وصل است و هر مفسری بعد از طرح اقوال گذشتگان، یکی را بر می‌گزیند و یا در بهترین شرایط یک قول در کنار دیگر اقوال احداث می‌کند. در تفسیر فی ظلال القرآن، نوعی گسست کامل نسبت به سنت تفسیری مشاهده می‌شود که به هیچ یک از تفاسیر پیش از خود ارجاع نمی‌دهد و می‌خواهد مستقیم با قرآن وارد گفتگو شود. از نظر ایشان، «تدبرگرایان» در لایه مبانی به دو دسته تقسیم می‌شوند: پیوست‌گرایان و گسست‌گرایان. پیوست‌گرایان، کسانی هستند که از سنت تفسیری تبعیت می‌کنند و تأملات‌شان در امتداد تأملات تفسیری گذشته است؛ در این صورت دیگر راهی برای فهم عامه مردم وجود نخواهد داشت. گسست‌گرایان، کسانی هستند که معتقدند سنت تفسیری، زنجیری سنگین است که بر پای مفسر، سنگینی می‌کند و از این رو باید آن را باز کرد و به‌طور مستقیم سراغ قرآن رفت. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۴۶)

به نظر می‌رسد اگر در مقام معرفی تدبر مواجهه علمی صورت گیرد و نسبت آن با «تفسیر» اصطلاحی روشن شود، هم مشکل جایگاه حل خواهد شد و هم سهم عموم مردم در این میان مشخص خواهد گردید.

یکی از عوامل ایجاد چنین منظری به تدبر، گسترش شمول و دایره معنای تدبر است. صاحب کتاب پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن در تعریف تدبر می‌نویسد: «تدبر به معنای تفکر و اندیشیدن ورای ظواهر است تا چهره باطن امور جلوه‌گر شود و عاقبتش بر ملا گردد (نقی پورفر، ۱۳۷۱: ۳۷۱). ایشان مفهوم تدبر و به تبع آن روش تدبری را به‌گونه‌ای بیان کرده است که دربردارنده «تفکر»، «تفسیر» و حتی کشف باطن و تأویل نیز می‌شود.

در الگوی تدبر سوره‌محور براساس روش آقای صبحی نیز مواردی از خلط تدبر با تفسیر مشاهده می‌شود. هدف و روشی که از سوی استاد الهی‌زاده و آقای صبحی در زمینه تدبر ارائه، آموزش و ترویج داده می‌شود، کشف ارتباط میان گسست‌های سوره است (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۵). شاید بتوان یکی از عوامل عدم موفقیت کامل رهروان این مسیر در کسب مهارت تدبر را همین تفسیری (و تخصصی) بودن این روش دانست. با توجه به تخصصی بودن مطالب تدبری در این روش، بیشتر مخاطبان این الگو، محصول تدبر

دیگران را به عنوان تدبر برمی شمارند و محافل و مجالس تدبر، بیشتر به روش سخنرانی برگزار می شود، به نحوی که مخاطب (عمومی) در طول ارائه، هیچ فعالیتی انجام نمی دهد، بلکه تنها شنونده است.

این در حالی است که تدبر، هرگونه تلاش فکری در قرآن، جهت فهم معنا و مقصود مفردات، آیات، سوره ها و کل قرآن و دل سپردن به آنها و پیگیری عملی نتایج آن است و کسی که نتیجه تدبر دیگری را مطالعه کند، تلاشی برای کشف پیام های سوره انجام نداده است، بلکه پیام های سوره را به صورت آماده دریافت کرده است.^۱

در بخش قبل، در ارائه نمونه کشف اقوال و غرض سوره شعراء، لزوم استفاده از دانش تفسیری برای رسیدن به غرض سوره، آشکارا قابل فهم است.

البته گفتنی است که الگوی سوره محور تدبر قرآن با ارائه جناب آقای صبحی، اتکای بیشتری به تفسیر داشته و در نمونه آثار ایشان، جنبه «التدبر بعد التفسیر» مشهود است. از این رو می توان گفت سبک ارائه شده توسط آقای صبحی کاملاً بر الگوی استاد الهی زاده منطبق نیست؛ زیرا ایشان فهم سباقی (و مقدماتی) را مطرح می کند و در تعریف تدبر در قرآن می نویسد: «فهم سباقی، سیاقی، مقایسه ای، مجموعی، هدایتی، همگانی روشمند ظاهر متن قرآن کریم» (الهی زاده، ۱۳۸۴: ۸۶)

ب. خلط تدبر با تفسیر سوره

پیروان الگوی سوره محور برای هر کدام از سوره های قرآن، جامعیت واحدی قائل شده اند که در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد. برخی از آنان از این محور جامعیت با عنوان «جان و روح سوره» یاد کرده اند. (مدنی، ۱۴۱۲: ۵)

خامه گر در تألیف خود از نگرش جامع گرایانه به سوره ها با تعبیر «ساختار هندسی سوره ها» یاد کرده است تا ضمن آنکه ارتباط ساختاری آیات هر سوره را یادآور می شود، بر هندسه معرفتی هر سوره نیز تأکید کند. (خامه گر، ۱۳۸۶: ۱۷)

عبدالله شحاته از ساختار هندسی سوره های قرآن با عنوان وحدت موضوعی یاد کرده است و آن را چنین تبیین می کند: «وحدت موضوعی سوره های قرآن به این معناست که باید

۱. بررسی میدانی و شهودی نگارنده پس از سال ها شرکت در رویدادها و جلسات جریان تدبری علی صبحی، نشان می دهد متدبر برای درک بهتر مطالب ایشان و بهره مندی از ثمرات و محصول تدبرشان، باید آمادگی قبلی داشته باشد.





پیام سوره‌ها را اساس فهم آیات تلقی کرد و از این رو لازم است موضوع سوره به عنوان محور و مدار فهم آیات مدنظر باشد که آن آیات حول همان موضوع نازل شده است.» (شحاته، ۱۳۶۹: ۲۷)

سید قطب برای ترسیم وحدت جامع و روح کلی هر سوره از تعبیر دقیق‌تری استفاده کرده است، او می‌نویسد: «از جمله هماهنگی‌های هنری در قرآن، تسلسل معنوی موجود میان اغراض و سیاق آیات و تناسب آنها در امر انتقال از غرض به غرض دیگر است.» (سید قطب، ۱۳۸۶: ۹۵)

وی در بخش دیگری از تفسیر فی ظلال القرآن، همین سخن را به تعبیری دیگر بیان کرده است و می‌نویسد: «کسی که زیر سایه قرآن آرمیده و زندگی را در پرتوی آن طی می‌کند، می‌بیند که هر سوره دارای وجود مستقل و شخصیت جداگانه‌ای است که گویی جان در تن دارد، جان زنده‌ای که دارای سیما و صفات و انفاس است و دل از آن زنده و تپنده می‌گردد. همچنین هر سوره دارای یک یا چند محور اساسی است که چسبیده به محور مخصوصی بوده و بر گرد آن می‌چرخد. هر سوره دارای فضای ویژه‌ای است که بر تمام موضوعات داخل آن سایه می‌اندازد و روند سوره را به گونه‌ای در می‌آورد که دربرگیرنده این موضوعات از زوایای معینی باشد. میان اجزای سوره هم مطابق چنین فضایی، همخوانی و هماهنگی ویژه‌ای پدید می‌آید.» (همان: ۵۳)

در این روش، هر سوره یک هدف و غرض اصلی دارد و محتوای سوره از محور و مقاصد فرعی جدایی‌پذیر است و هر دسته از آیات به لحاظ تناسب درونی و ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند، ذیل یک محور فرعی قرار می‌گیرند. این محورها در یک نکته اصلی و اساسی که هدف و غرض اصلی سوره را تشکیل می‌دهد، مشترک هستند. بنابراین لازمه طبیعی اعتقاد به ساختار هندسی سوره‌ها این است که به ارتباط منطقی آیات با یکدیگر معتقد باشیم، به گونه‌ای که بتوان در یک نمودار درختی همه آیات را از طریق محورها و عناوین فرعی به یک عنوان و موضوع اصلی متصل کرد. (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۱-۱۹)

روش سوره‌محور یا ساختاری بر پایه نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌ها استوار است. مفسر بر این اساس و با ژرف‌اندیشی در محتوای آیات هر سوره، به دنبال یافتن موضوع اصلی سوره، اقدامات دامنه‌داری را سامان می‌دهد و از انسجام معنایی سوره، نکات تازه‌ای درباره آن موضوع کشف می‌کند.

ساختار هندسی سوره‌های قرآن به این معناست که باید پیام سوره‌ها را اساس فهم آیات آن سوره دانست و از این رو لازم است موضوع سوره به عنوان محور و مدار فهم آیاتی مدنظر باشد که آن آیات حول همان موضوع نازل شده است. (همان: ۱۳)

قرآن پژوهانی که به این روش در تفسیر قرآن و فهم آن گرایش دارند، در کتب خود کوشیده‌اند بخشی از قرآن یا همه آن را از این طریق به نمودار بکشند. ایشان برای هر سوره، مقدمه، مقاصد و خاتمه در نظر گرفته است و کوشیده‌اند محتوای هر سوره و آیات به ظاهر پراکنده را در این چارچوب قرار دهند. از این جمله می‌توان به تلاش‌های سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن، سعید حوّی در الأساس فی التفسیر، سید محمد باقر حجتی و بی‌آزار شیرازی در تفسیر کاشف، محمد رشید رضا در المنار و دکتر عبدالله محمود شحاته در کتاب اهداف و مقاصد سوره‌ها اشاره کرد. محمد محمد الممدنی نیز در کتاب المجتمع الاسلامی کما تنظمه سورة النساء، نمودار محتوایی سورة نساء را ترسیم کرده است. صبوحی طسوجی نیز در مسیر تعلیمات استاد الهی زاده، همین شیوه را برای تدبر قرآن به کار برده است.

طبیعی است فهم توأمان آیات و بررسی آیه‌ای با توجه به آیات هم‌سیاق، تأثیر زیادی در فهم درست آیات دارد، البته تأثیر آن در سوری که یکجا نازل شده است، مشهودتر است (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۳۶۱). با این وجود، این روش، جامع و کامل نیست. یکی از موارد نقصان و قابل تأمل این روش، این است که تفاسیری که مبنای کار خود را تدبر و فهم منسجم سوره قرار داده‌اند، بیشتر به جنبه‌های تفسیری می‌پردازند و گاهی برای اتصال دسته‌ای به دسته دیگر سلیقه‌ای عمل می‌کنند.

در حقیقت این سبک، تفسیر سوره است که برخی با موضوع محوری آن را دنبال می‌کنند و برخی بر اساس یافتن غرض و هدف کلان سوره، از زاویه خاصی به مطالعه آن می‌پردازد؛ از این رو نگاه جامع و کاملی از گفتمان قرآن در تحلیل و بررسی موضوع ارائه نمی‌دهد. ناگفته پیداست که مباحث زیادی در قرآن وجود دارد که در سوره‌های مختلفی بیان شده است؛ از این رو بدون دخالت دادن واسطه‌ها، «شبکه معنایی موضوع» ترسیم نشده است و نمی‌توان به نتایج معتبری دست یافت.





ج. منحصر نمودن تدبر در قرآن به کشف جهت هدایتی سوره‌ها

در روش تدبری استاد الهی‌زاده، تنها به فهم سیاقی آیات و کشف غرض واحد سوره توجه شده است. در این روش، ابتدا نظم حاکم بر سوره بیان شده است و با طرح و تبیین موضوعات سوره در دسته‌های مختلف، غرض واحد از همه آنها ارائه می‌شود. از این‌رو محصولی که از تدبر در هر یک از سوره‌های قرآن ارائه می‌شود، تنها جهت هدایتی هر سوره است که با استدلال به سیاق آیات آن سوره استخراج شده است. (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۳: ۱۱۳)

با توجه به اینکه در این روش، کوچکترین واحد مورد تدبر، آیه است (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۸)، آن هم نه به صورت مستقل، بلکه فهم آیه در راستای فهم هماهنگ سیاق‌های سوره در نظر گرفته می‌شود، فعالیت‌هایی مانند استخراج پیام‌های آیات در تفسیر نور (قرائتی، ۱۳۸۳) در زمره تدبر به شمار نمی‌آید. در حالی که نه فقط مجموعه آیات و سوره‌های قرآن، بلکه تک تک آیات و مفردات آن نیز به تنهایی در بردارنده پیام‌های سازنده و راهگشا برای تدبرکنندگان است.

افزون بر این، بدیهی است با اینکه در این روش ادعا شده است که تدبر در قرآن کریم، وظیفه‌ای همگانی و عمومی است (الهی‌زاده، ۱۳۸۴: ۸)، تدبر در قرآن به معنی کشف غرض سوره و فهم منسجم سوره را نمی‌توان به اقشار مختلف مردم از جمله نونهالان و کهنسالان آموخت. در این زمینه باید دقت کرد که آیا آنچه درباره قرآن باید به عموم مردم گفته شود، تنها چگونگی ارتباط میان آیات، تعداد سیاق‌ها، معانی آیات و عبارات و نیز پیام سوره است یا اینکه پذیرش قلبی معارف قرآن نیز اهمیت دارد؟!

همچنین، براساس دیدگاه استاد الهی‌زاده، مفهوم تدبر در صدر اسلام به راحتی تحقق می‌یافت (همان)، با این حال آیا مردم عصر نزول -که به راحتی تدبر می‌کردند- قرآن را به صورت منسجم و در راستای دریافت غرض سوره می‌فهمیدند؟ افزون‌براین، برخی از آیات مرتبط با تدبر قرآن، در سیاق کفار و منافقان بوده و به نوعی خطاب توبیخی به ایشان است. آیا این خطابات به معنای لزوم فهم منسجم سوره‌های قرآن توسط کفار است؟!

د. تغییر خاستگاه تدبر از قلب به ذهن

مستند اصلی روش تدبر در این الگو، آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲) است که از آن می‌توان لزوم فهم هماهنگ و توأمان قرآن برای درک

نزول آن از جانب خداوند متعال را استنباط کرد، درحالی که براساس آیات دیگر، مانند «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴)، می توان گفت قاعداً ماهیت تدبر با قلب انسان ارتباط مستقیم دارد.

بنابراین شاید خطا نباشد اگر بگوییم، روش این الگو بیشتر شبیه تجزیه و تحلیل های ذهنی است و با قلب انسان تخاطب ندارد، درحالی که با نحوه عکس العمل قلب به قرآن می توان وقوع تدبر را فهمید، وگرنه تجزیه و تحلیل کردن چند آیه و دسته بندی کردن آن را نمی توان تدبر انگاشت.

براساس نظرات علمای زبان شناسی، جای گیری آیات در قلب، از راه گوش و به کمک شاکله زبانی میسر است (نایدا، ۱۳۶۷: ۱۸)، بنابراین جایگاه استماع آیات قرآن و تلاوت آنها در عملیات تدبر بسیار قابل توجه است. با این وجود، در الگوی تدبر سوره محور، جایگاه خاصی برای قرائت قرآن در نظر گرفته نمی شود، درحالی که در مکتب اهل بیت: تدبر در قرآن، جدا از قرائت و تلاوت و تعلیم و تعلم آن نیست. بخشی از دعای امام صادق ۷ قبل از قرائت قرآن به این صورت است: «...وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا، بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدْبُرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ...»؛ خدایا قرائت مرا قرائتی قرار نده که تدبری در آن نباشد، بلکه مرا به تدبر در آیات و احکام آن وادار. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۷/۸۹)

هـ. عدم استفاده از روایات معتبر تفسیری جهت فهم معنای مفردات، آیات و سوره ها
با وجود آنکه بر اساس مبانی روشن شیعه، قرآن و عترت دو یادگار گرانمای پیامبر هستند که بر جدایی ناپذیری آنها تأکید شده است، در این روش بهره چندان از روایات در فهم قرآن مشاهده نمی شود. هرچند در حدیث ثقلین، «عترت» معادل روایات نیست، اما مراد از عترت، شخصیت حقوقی آنان است. شخصیت حقیقی عترت در دسترس بسیاری از مسلمانان نیست. بنابراین، رجوع به امام به معنای رجوع به امامت و احکام و حکم صادر از آن مقام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۰/۱)

در الگوی تدبر سوره محور، مراحل دستیابی به فهم منسجم از سوره عبارتند از:

- ✓ شناسایی کلام ها و تشخیص معانی منسجم (ثمره کشف ارتباط میان آیات)؛
- ✓ شناسایی اقوال و تشخیص موضوعات محوری (ثمره کشف ارتباط میان کلام ها)؛
- ✓ تشخیص غرض واحد (الهی زاده، ۱۳۸۴: ۸۶).





همان‌گونه که مشهود است در هیچ یک از این مراحل از روایات تفسیری استفاده نشده است. افزون‌برآن، بررسی منابع کتبی و تولیدات رسانه‌ای که تدبر در سوره‌های قرآن به شیوه یادشده را ارائه کرده است، مؤید عدم استفاده از روایات تفسیری در روند کشف پیام محوری سوره‌هاست.

در تبیین این مطلب می‌توان گفت: «اساس روش تدبر استاد الهی‌زاده، برگرفته از روش تفسیری قرآن به قرآن است. ایشان در بیان علت عدم استفاده از روایات تفسیری، به استدلال‌های علامه طباطبایی (ره) مبنی بر استقلال قرآن در فهم دلالت‌های آن ارجاع می‌دهند» (فریدونی، ۱۳۹۸: ۸۹) در حالی که الهام‌گیری و استفاده از روایات را می‌توان بخشی از شیوه علامه در تفسیر المیزان دانست. (معارف، ۱۳۸۴: ۵۲)

همان‌طور که قرآن کریم برای اقشار مختلف جامعه برنامه دارد، روایات و سنت عترت طاهره نیز این‌گونه است. احادیث ائمه اطهار: با آن که صعب و مستصعب است و فهمیدن بعضی از آنها به قشر خاصی اختصاص دارد و هر کسی توان فهمیدن و درک کردن آن معارف عمیق را ندارد، در عین حال "مطلب غیر قابل فهم" در آنها وجود ندارد و مطالب و معارف هدایتی آن اختصاص به قشر خاصی ندارد. (محمدری شهری، ۱۳۹۰: ۲۸)

در نتیجه تمسک به قرآن، جدای از تمسک به اهل‌بیت علیهم‌السلام و پیروی از آنان نیست و پیروی از آنان عین پیروی از تعالیم قرآن است؛ چنان‌که در حدیث ثقلین آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۷/۳۱). مقصود این است که بدون حضور ثقل کبیر، فهم قرآن و عمل دقیق مطابق با آن ممکن نیست، بنابراین نباید از «ثقلین» جدا شد و این جدایی‌ناپذیری به معنای جدایی‌ناپذیری فیزیکی نیست، بلکه جداناپذیری هدایتی و معرفتی است؛ یعنی، معارف و هدایت‌های قرآن، از طریق اهل‌بیت علیهم‌السلام قابل استفاده است. پس هرکس برای راه‌یابی به معارف قرآن از مسیر معارف و آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام حرکت کند، از آن سرچشمه، استفاده بسیار خواهد برد، در غیر این صورت بهره‌اندکی از حقیقت نصیبش خواهد شد.

نتیجه‌گیری

مستند اصلی روش تدبر در الگوی سوره‌محور، آیه «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲) است که از آن می‌توان لزوم فهم هماهنگ و توأمان قرآن برای درک نزول آن از جانب خداوند متعال را استنباط کرد. الگوی سوره‌محور با این پیش‌فرض که میان همه آیات یک سوره، اتحاد و پیوندی متین برقرار است، در پی یافتن حلقه اتصال و وحدت سوره‌هاست. تدبر در نگاه این شیوه یعنی «دریافت پی‌درپی آیات هر سوره که به فهم منسجم آن سوره منتهی می‌گردد.» بنابراین هدف آن کشف جهت هدایتی سوره است تا با دستیابی به آن هدایت الهی افراد را دربرگیرد.

نقاط قوت الگوی سوره‌محور عبارتند از: ۱. بهره‌گیری از قواعد زبان عربی برای کشف غرض واحد هر سوره؛ ۲. ارائه راهکارهای عملی جهت تشخیص غرض اصلی سوره‌ها؛ ۳. دستیابی به شناخت اجمالی از فضای اجتماعی نزول سوره‌ها.

نقاط ضعف و کاستی این الگو عبارت است از: ۱. خلط بین تدبر و تفسیر، ۲. خلط تدبر با تفسیر (موضوعی یا غرضی) سوره، ۳. منحصر نمودن تدبر در قرآن به کشف جهت هدایتی سوره‌ها، ۴. تغییر خاستگاه تدبر از قلب به ذهن و ۵. عدم استفاده از روایات معتبر تفسیری جهت فهم معنای مفردات، آیات و سوره‌ها.

ضروری است جهت ترسیم الگوی جامع و کامل تدبر در قرآن، پژوهش‌های بنیادی و مبنایی شکل گرفته و به‌ویژه در زمینه آموزش تدبر به عموم مردم مسلمان ایران، مطالعات کاربردی‌تری شکل گیرد تا همگان در راستای عمل به وظیفه الهی «تدبر در قرآن» توفیق لازم را کسب کنند





فهرست منابع

۱. الهی زاده، محمدحسین (۱۳۸۴)، طرح پژوهشی روش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. پاکتچی، احمد (۱۳۸۷)، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ویرایش محمد جانی پور، چاپ اول، تهران: انجمن علمی الهیات دانشگاه امام صادق ۷.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۱
۴. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۱)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، گلستان قرآن، مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران.
۵. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۶)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن: پیش‌درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۴)، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۱)، «تدبیر در قرآن، اصلی بنیادین در تعامل با کلام‌الله مجید»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ش ۱.
۸. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰م)، تفسیر القرآن العظیم الشهیر بتفسیر المنار، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۹. سید قطب (۱۳۸۶)، آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: بنیاد قرآن.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۲۱)، الاثنان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۱. شحاته، عبدالله محمد (۱۳۶۹)، درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌ها، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.



۱۲. شریعتی، مینا (۱۳۹۳)، «ساختار، کیفیت نزول و چینش آیات سوره‌های قرآن و تطبیق آن در سوره محمد (ص)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد شعبان‌پور، استاد مشاور: حمیدرضا بصیری، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۳. صبوحی طسوجی، علی (۱۳۹۰)، طرح پژوهشی روش تدبیر در سوره‌های قرآن کریم، کارفرما: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۴. صبوحی طسوجی، علی (۱۳۸۹)، تدبیر در قرآن کریم (۲۴ ج)، چاپ اول، قم: بلاغت..
۱۵. صبوحی طسوجی، علی (۱۳۹۳)، تدبیر در قرآن کریم، چاپ دوم، قم: انتشارات دارالعلم.
۱۶. صبوحی طسوجی، علی (۱۳۹۱)، راهنمای آموزش عمومی تدبیر، چاپ اول، قم: دارالعلم.
۱۷. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱۱، ۱۳۸۳
۱۹. عمیدزنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ سوم، ۱۳۷۳
۲۰. فریدونی، محمدحسین، مهارت‌های آموزش و ترویج قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، قم: دارالحديث، ۱۳۹۰
۲۳. مدنی، محمدمحمد، المجتمع الاسلامی کما تنظمه سوره النساء، قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشؤون الاسلاميه، ۱۴۱۲ق
۲۴. مرادی زنجانی، حسین و لسانی فشارکی، محمدعلی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، زنجان: قلم مهر، ۱۳۹۳
۲۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰

۲۶. معارف، مجید، حدیث، جایگاه و کارکرد آن در تفسیر المیزان، نشریه پژوهش دینی، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۴

۲۷. نایدا، یوجین، فراگیری زبان از طریق گوش، مجله رشد آموزش زبان، سال چهارم، شماره ۱۶-۱۵، بهار و تابستان ۱۳۶۷

۲۸. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، قم: انتشارات اسوه، چ اول، ۱۳۷۱

